



گفتگو با «استیون استریت» و «سباستین استان»

آخرین شاهکار رنی هارلین نمایش قدرتی فراواقعی



***سحر آمینیان**

نام «رنی هارلین» کارگردان مجرب هالیوود که فیلم‌های متنوعی در ژانرهای وحشت، درام، اکشن و رمانتیک در کارنامه فیلمسازی خود ثبت کرده در این ایام به موجب کارگردانی فیلم پرمخاطب «پیمان» بر سر زبانهاست. البته در این موفقیت بازیگرانی چون «استیون استریت» و «سباستین استان» تاثیر بسزایی داشته‌اند به طوری که توانسته‌اند این فیلم اکشن و وحشتناک را به مدت

۲ هفته در فهرست آثار پرفروش سینمای آمریکا جای دهند. «پیمان» بر مبنای رمانی نوشته «آرون کولیت» «تون رودریگز» جلوی دوربین رفته است و موضوع فیلم حول محور قدرتی است که در خاندانی عظیم نسل به نسل به ارث رسیده است. اما چهار پسر جوانی که در این خانواده بزرگ قدرت موروثی نیاکان خود را دریافت می‌کنند، به علت برخورد با نیرویی شیطانی، مجبور می‌شوند با کمک یکدیگر از تاثیر فزاینده آن

جلوگیری کنند. از آنجایی که این فیلم با موفقیت بسیار خوبی در گیشه سینماهای آمریکا مواجه شده است نشستی با دو بازیگر اصلی این فیلم استیون استریت و سباستین استان برگزار کرده که بخشی از مصاحبه این دو بازیگر در ذیل می‌آید.

***ممکن است در مورد چگونگی خلق اثرژی‌های کاراکترهایتان صحبت کنید؟**

– استیون استریت: گوی‌هایی در کار طراحی شده بود که در کاهش و افزایش انرژی ما موثر بود علاوه بر این قابلیت ضدجاذبه این گوی‌ها به صورتی بود که برای پرش و جست‌وخیزهای بیشتر در صحنه نیز به کار می‌بردیم. ***کار کردن با مجموعه‌ای از تجهیزات پیشرفته برای شما چگونه بود؟**

– استیون استریت: ما به مدت دو ماه با لباسهای سیمی کار می‌کردیم که عجیب، باور نکردنی

و در بعضی مواقع غیرقابل تحمل بود؛ یا وجود این چاره‌ای جز عادت کردن نداشتیم.

– سباستین استان: لباسهای سنگین سیمی و تجهیزات عجیب از مراحل اولیه کار شرایط طاقت فرسایی به وجود آورده بود؛ به طوری که در جریان فیلمبرداری سرگیجه من را رها نمی‌کرد، اما حقیقت این است که قدرت انتخاب ما محدود بود چراکه ما زمان بسیاری را به تمرین و تکرار اختصاص داده بودیم.

***احساسی که با ایفای این کاراکترها به شما انتقال می‌یافت، چه بود؟**

– سباستین استان: موضوع محوری این فیلم پنج خانواده است که با قدرت موروثی خود حدود پنج نسل است که روزگار را سپری می‌کنند. احساسی که قدرت فراواقعی شخصیت‌های این فیلم به من عنوان یک بازیگر و همچنین به مخاطب، انتقال می‌یافت، توانایی نابود کردن بود. اگرچه ممکن است داستان فیلم «پیمان» غیرواقعی به

کارگردان «باغ فردوس پنج بعدازظهر» اظهار امیدواری کرد: شرایط اکران درسینمای ایران به گونه‌ای پیش برود که انحصار پخش از دفاتر خاص خارج شود. سیامک شایقی که با ایسنا گفت وگو می‌کرد در ادامه تصریح کرد: صاحبان سینما راغب‌تر هستند با دفاتر پخش‌ی که تعداد بیشتری فیلم دارند کار کنند. بنابراین باید شرایط به گونه‌ای پیش برود که انحصار شکسته شود و پخش فیلم در تعداد بیشتری دفاتر اتفاق بیفتد در عین حال که معتقدم دفاتر پخش‌ی که خودشان فیلمهایی که می‌خواهند پخش کنند، تولید نکرده باشند، کم‌سترلند می‌سوزانند. بنابراین ابتدا که می‌خواستم «باغ فردوس» را اکران کنم فکر کردم با دفاتری کار کنم که انگیزه بیشتری داشته باشند. اما متوجه شدم تنها انگیزه، کافی نیست باید در قوانین اکران یک تجدید نظری بشود و دفاتر دیگر پخش به وجود بیاید و این انحصار از بین برود. وی به نحوه تبلیغات «باغ فردوس پنج بعدازظهر» اشاره کرد و گفت: سعی می‌کنم مناسب‌ترین شکل تبلیغات را انجام دهم و امیدوار بودیم تعداد سینمایی که به دست می‌آوریم از تعداد فعلی بیشتر باشد اما این اتفاق نیفتاد. هم‌اکنون ۶ تا ۷ سالن

و ۳ تا چهار فرهنگسرا در اختیار داریم. شایقی به میزان استقبال مردم طی چند هفته‌ای که از اکران این فیلم می‌گذرد اشاره کرد و گفت: در سه سالن اصلی فرهنگ، ایران و فلسطین که در حقیقت سالنهای اصلی نمایش فیلم هستند، فروش خیلی خوبی داشته است ولی در سینمایی که در مراکز دیگر شهر قرار دارند موفقیت کمتر می‌شود و سالنهای فرهنگسراها نیز شرایط متفاوتی دارند. اساسا نمایش در آنها چیزی شبیه شوخی است و در عین حال که برخی فرهنگسراها مدیریت درست تری دارند و موفق‌تر عمل کردند اما مثلا یکی از فرهنگسرا که سالن مناسب و خوبی هم دارد اصولا مساله‌اش اکران فیلم ایرانی نیست.

وی در ادامه ضمن اشاره به اینکه قصه تکراری و اصلی سینمای ایران، کمبود سالن سینما است، معتقد است: در شرایط فعلی و به عنوان راه حل کوتاه مدت معتقدم ما سالن سینما داریم ولی از آن به درستی استفاده نمی‌کنیم مثلا یکی از فرهنگسراها سالن بسیار درجه یک و مطلوب دارد ولی بدرستی از آن استفاده نمی‌شود.

وی در ادامه افزود: مثلا به طور کلی دوستانس برای نمایش فیلم اختصاص دادند اما این دو

ستانس نیز شرایط مناسبی ندارند و بدرستی فیلم نمایش نمی‌دهند. شاید یک روز برنامه کانون فیلم بگذارند و یک ستانس جلسه نقد و بررسی آن فیلم و ستانس دیگر کنسرت موسیقی برگزار می‌کنند، بنابراین به طور مشخص برنامه نمایش را مشخص نمی‌کنند.

وی در عین حال گفت: من مخالف آن برنامه نیستم بلکه معتدم تکلیف این سالن سینما و جایگاهش باید مشخص شود.

شایقی در ادامه اظهار امیدواری کرد: نمایش «باغ فردوس پنج بعدازظهر» با همین تعداد محدود سالن ادامه پیدا کند، چون سالنهایی که این فیلم را نمایش می‌دهند راضی هستند



نمایی از فیلم «باغ فردوس پنج بعدازظهر»

وی معتقد است: بحث روانشناسی اساسا به عنوان محور اصلی فیلم مطرح نیست. باغ فردوس، یک فیلم عاشقانه اجتماعی است که در قالب یک موضوع روانشناسانه مطرح می‌شود و ممکن بود اگر قالب دیگری را پیدا می‌کردم از آن برای روایت اصلی استفاده می‌کردم. شایقی در پایان دغدغه اصلی‌اش را اکران و نمایش دانست و گفت: فکر می‌کنم این موضوع به عنوان یکی از معضلات سینمای ایران است که ما در مجمع فیلمسازان ایران در حال بحث و گفت‌وگو درباره این موضوع هستیم و امیدواریم به نتیجه برسیم.

در «باغ فردوس پنج بعد ازظهر» رضا کیانیان، لادن مستوفی، آریتا حاجیان و حامد بهداد، به ایفای نقش می‌پردازند. این فیلم درباره دختر جوان باهوشی است که از مشکلات روانی زنج می‌برد، مشکلات او که ریشه در شرایط خانواده دارد، به تدریج در رویارویی با آدمهای پیرامونش در جامعه گسترش می‌یابد، با ورود یک دکتر روانشناس به زندگی ارتباط نافرجام بود ولی حالا که حتی یک مقدار به نظر تماشاگر پایان‌خوش است در فیلم هم این‌گونه مطرح می‌شود. دکتر هیچ حرف خاصی به زبان نمی‌آورد بنابراین آقایان دکتر با فیلم خوشبختانه دچار مشکل نمی‌شوند.

و امیدوارم مدیران مافوق تصمیم نگیرند که به هر دلیل چنین می‌خواهند فیلم‌های دیگری را به هر نحو به نمایش بگذارند جلوی اکران این فیلم را بگیرند.

سیامک شایقی که از زمان ساخت فیلم «شراره» تقریبا با فاصله چند سال فیلم «باغ فردوس» را جلوی دوربین برده است، گفت: چون شرایط تولید سخت باعث می‌شد این چند سال فیلمی نسازم اما از همان سالها در حدود سالهای ۸۰، ۸۱ این فیلمنامه و طرحش را کار کردم و مترصد ساخت بودم.

وی درباره مسائل روانشناسی که در فیلم وجود دارد و مشاوره از پزشکان در ادامه گفت: یکسری مطالعات شخصی در زمینه

نقد روانشناسانه از مجموعه «نرگس»

گزارشی تلخ از زندگی

طلعت رافعی – کارشناس ارشد روانشناسی – به شرح مختصری از آنچه سریال «نرگس» به تصویر کشیده و نیز تحلیل شخصیت‌های آن پرداخته است که در ادامه می‌خوانید:

شخصیت شوکت

به گزارش ایسنا، رافعی در بخش نخست آورده است: قصه «نرگس» سعی کرده است تقابل میان دو اندیشه که در ظاهر دو شخصیت است را نشان دهد. «نرگس» که جدی، مستقل، با شهامت و اقتدار در مقابل افکار بدخواهانه، کج فهم، انتقام جو و کینه‌توز «شوکت» ایستاده است. «شوکت» که نه تنها مخالف خود را حتی اگر فرزندش باشد بر نمی‌تابد بلکه تحمل زنی که با قدرت در مقابلش بایستد و از او انتقاد کند را ندارد.

زنی که برخلاف زن‌هایی که شوکت در پیرامونش می‌بیند حتی با پول هم نمی‌توان او را طمع‌ع کند. این برای شوکت پدیده‌ای غیرمتظره و تلخ بود که تمام تلاش خود را حتی به قیمت از دست دادن بسیاری از چیزها صرف ستیز با آن کرد. ظاهرا قصه قصد پرداختن به انگیزه‌های روانی پنهان در ساختار ناخودآگاه «شوکت»، نسبت به عناد او با زنی چون نرگس که به واسطه آن انگیزه‌ها رقم خورده است را ندارد. شاید به دلیل آن که پرداختن به این موضوع مهم روانشناختی در حد و اندازه یک قصه، سرگرم‌کننده نیست و علاوه بر آن این خود می‌تواند آغاز یک کار هنری جدی باشد. اما از چشم تیزبین یک تماشاگر که می‌خواهد ماهیت روانی رفتارها را بررسی کند این جمله شوکت که بارها از خود می‌پرسد نمی‌دام «چرا نرگس از من بدش می‌آید» پنهان نمی‌ماند. سوالی که همه عقده‌های فروخورده و نقصان‌های روانی وجود شوکت را نسبت به زن به ویژه به شخصیت‌هایی چون نرگس آشکار می‌سازد. نقصان‌هایی که در پشت هدیان‌های بزرگ بینی و رفتارهای پوچ و توخالی او پنهان شده است. همین کمبودهای روانی بود که او را در دام یک ازدواج پنهانی می‌اندازد. به نظر می‌رسد که شوکت نه تنها با نرگس که اساسا با جنس زن سرستیز و مخالفت‌جویی دارد. او مردی است که اگر همسرش فرزند پسر (بهرروز) به دنیا نمی‌آورد قصد داشت از او جدا شود. اگر اعظم همسر شوکت تنها به همین نکته تلخ عمیق‌پی برده باشد باید تمام این سال‌ها را در طلاق عاطفی با همسرش به سر برده باشد. نرگس بهانه‌ای شده است تا شوکت عناد و ستیز خود را با زن که ریشه در تاریخچه زندگی او دارد از پستوهای روانی و ذهنی خود بیرون ریخته وعلنا با آن به نزاع بپردازد. او به تنها زنی که گرایش نشان داده است فروغ برده است که بنا به گفته خودش زنی مفلوک، دربه‌در، بیچاره و ضعیف بوده است. این گروه از زن‌ها همیشه به بقا این اندیشه‌ها کمک کرده‌اند. این که چرا قصه، «شوکت» را به عنوان یک پدر تا این اندازه منفور نشان داده است بر کسی معلوم نیست.

تنها می‌توان گفت شوکت شخصیتی بیمار و قابل‌ترحم است که برای درمانش باید به او کمک کرد. **شخصیت نرگس**
طلعت رافعی در قسمت دوم این تحلیل روانشناسی آورده است: شخصیت «نرگس» به عنوان کسی که نام قصه را به خود اختصاص داده است، حتی اگر فرض کنیم که اغراق شده نیست (که هست) اما مورد تایید و مقبول بسیاری به ویژه جوانان نیست. حتما این را می‌دانیم که جامعه ما در وامصیبتای گذر است و متأسفانه بسیاری از ارزش‌های ما در این فرآیند قربانی می‌شوند. در سال‌هایی نه چندان دور و به عبارتی خیلی نزدیک که به روابط خانوادگی و جمعی اهمیت بیشتری داده می‌شد از جوانان انتظار می‌رفت تا در محیط خانواده رفتاری مشابه رفتار نرگس داشته باشند و نسبت به سایر اعضای خانواده احساس مسولیت و دلسوزی داشته باشند، اما متأسفانه امروز جوانان به سمت نوعی احساس، زندگی و مسولیت فردی حرکت می‌کنند و احساس خوبی از این که کسی حتی نزدیکانشان بخواهد برایشان احساس دلسوزی و یا مسولیت بکند ندارند و ما این را در واکنش‌های نسرین به خوبی می‌بینیم. ما نیز نمی‌توانیم با به تصویر کشاندن این گونه شخصیت‌های اغراق‌گونه چون نرگس، ارزش‌های از دست رفته را دوباره بازگردانیم، بلکه نیاز به راهکارهای جدی‌تر داریم. به علاوه بسیاری به ویژه جوانان می‌پرسند چرا «نرگس» کمی به نیازهای خود توجه ندارد با آن که خانم جوانی است که باید لذت، هیجان و احساس در مورد اهداف متعدد خود در زندگی را نشان دهد چرا به جای دلسوزی‌های افراطی و گاهی حتی دخالت در زندگی نسرین شرایط را برای ایجاد و یک رابطه مبتنی بر تفاهم، اعتماد و اطمینان با نسرین که بتواند بستری آماده کند که مسائل به طور روان در انسانی، حل شوند مهیا نمی‌کند؛ از شخصیتی مثل نرگس این امر انتظار بعیدی نیست. اگر در بخش‌های پایانی قصه، نسرین به طور نسبی به نرگس اعتماد کرده‌است نه به دلیل رفتار نرگس بلکه به دلیل شناختی بوده است که او از شوکت به دست آورده است.

شخصیت نسرین و بهروز

این روانشناس در ادامه تحلیل شخصیت‌ها آورده است: نسرین و بهروز قربانیانی در این قصه هستند که نه نرگس توانست برایشان کاری بکند و نه علاقه‌ای در خانواده شوکت برای حل مشکل آنها است. مشکل آنها مدت‌هاست از نظر ما گم شده است و یا عده‌ای آنها را مقصر اصلی این قصه قلمداد می‌کنند. چنانچه نسرین و بهروز را در این قصه نماینده هزاران جوانی بدانیم که وجوه مشترکی در ازدواج، با این دو شخصیت دارند باید کمی دلمان برای جوانان امروز به درد بیاید که پیوندشان قربانی مداخلات است که خود ناشی از ابعاد غلط فرهنگی ما، کج فهمی و بداندیشی خانواده و نزدیکان است. قریب به اکثریت دو جوان دختر و پسری که به یکدیگر علاقه نشان می‌دهند هرگز احساسشان نسبت به یکدیگر دروغ نیست اما تجارب مشاوره‌ای با این دو نمونه‌ها نشان داده است این نوع احساسات در بسیاری از مواقع توسط مداخلات بی‌پایه و اساس دیگران در همان اوایل شکل‌گیری یا کمی بعدتر در نقطه‌خفه شده است. هنوز در جامعه امروز که سنگ توسعه فرهنگی و اجتماعی را به سینه می‌زنیم مداخلات خانوادگی یکی از شایع‌ترین عوامل طلاق است. البته باید میان مداخلات از سر نابخردی و ارائه نظرات روشنگر، آگاهی‌بخش و با احترام (که در این قصه از آن خبری نیست) فرق گذاشت. این روانشناس در چهارمین قسمت تحلیل شخصیت‌ها آورده است: وجه مشترک بسیاری از شخصیت‌های مجموعه نرگس که بیانگر یکی دیگر از بیماریهای اجتماعی امروزه است حاکم بودن روحیه نفع طلبی و مادی بر روابط آدم‌های قصه است (حتی به قیمت نابودی منافع دیگران)، این ویژگی نه تنها در روابط درون خانواده شوکت و به ویژه در روابط زهره با دیگران به چشم می‌خورد بلکه تمامیت افرادی چون: عزت، ابراهیم، مجید و حتی اسماعیل و خانواده‌اش را می‌توان با پول خرید در جامعه‌ای که رسیدن به پول هدف نهایی انسانهاست، وجوه انسانی یک رابطه رو به اضمحلال و نابودی می‌رود و در کام این ولع بی‌پایان برخی از آدم‌ها قربانی می‌شوند.

ویژگی اجتماعی دیگر

طلعت رافعی اضافه کرده است: ویژگی اجتماعی دیگری که قصه به تصویر کشیده است شکاف میان نسل جوان و نسل قبل‌تر از خود است. از همان ابتدای قصه شاهد بودیم که جراتها در موارد حساس به جای این که از بزرگترهای خود کسب مشاوره کنند به دوستان خود پناه می‌برند. بهروز، نسرین و شقایق هر کدام در موارد حساس زندگی‌شان از دوستان خود مشاوره‌های غلطی گرفتند که نتایج تلخ انسانی، در قصه آشکار است و آن‌گونه که نرگس می‌گفت دیدیم که وقتی دو فکر جوان و نخبخته تصمیمی بگیرند خطرات‌تر از تصمیم یک نفر آنها است. ظاهرا آدم‌های این قصه نیاموخته‌اند چگونه به یکدیگر اعتماد کنند. هیچ گفت‌وگو روشن و شفاف که بتواند سوء تفاهمات و کج فهمی‌ها را حل کند و جای آن را به اعتماد و تفاهم بدهند وجود ندارد. حتی در بسیاری موارد چنانچه نرگس با عموش مشاوره می‌کرد جلوی برخی اتفاقات نابودی گرفته می‌شد و شاید به همین دلیل است که رفتارهای آدمهای قصه حتی نرگس در برخی موارد بدون تأمل، تعقل و با شتاب است.

«ماهی‌ها عاشق می‌شوند» و جایزه جشنواره فیلم‌های آسیایی

فیلم «ماهی‌ها عاشق می‌شوند» به نویسندگی و کارگردانی علی رفیعی جایزه فستیوال فیلم‌های آسیایی را از آن خود کرد. به گزارش ایسنا، این فستیوال در توکیو ژاپن برگزار شد و طی آن فیلم «ماهی‌ها عاشق می‌شوند» موفق به دریافت بزرگترین جایزه این فستیوال شد. بر اساس این گزارش، این فیلم که تنها نماینده ایران در فستیوال نامبرده بود در کنار آثاری از کشورهای ژاپن، چین، کره، فیلیپین، تایوان، اندونزی و . . . به نمایش گذاشته شد. همچنین قرار بود این فیلم در یکی از فستیوالهای کشور مراکش نیز شرکت کند که به دلیل دیر رسیدن فیلم، از حضور در بخش مسابقه آن فستیوال بازماند و در روز اختتامیه فستیوال به نمایش گذاشته شد. این فیلم تا پایان سال میلادی برای شرکت در ۱۸ فستیوال فیلم دیگر دعوت شده است که در این میان می‌توان به فستیوال کشورهایی چون: برزیل، اسپانیا، لهستان، هند، آمریکا و . . . اشاره کرد.

خسرو معصومی «باد در علفزار می‌پیچد» را جلوی دوربین می‌برد

پروانه ساخت «باد در علفزار می‌پیچد» به کارگردانی خسرو معصومی صادر شد. به گزارش ایسنا، شورای صدور پروانه فیلمسازی ۳۵ میلیمتری در جلسه این هفته برای دو پروژه سینمایی پروانه ساخت صادر کرد. روابط عمومی معاونت امور سینمایی و سمعی و بصری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گزارش داد: «در میان ابرها» به تهیه‌کنندگی ناصر شفق و کارگردانی سیدروح‌الله حجازی، «باد در علفزار می‌پیچد» به تهیه‌کنندگی فتح‌الله جعفری جوزانی و کارگردانی خسرو معصومی عنوان دو پروژه‌ای است که از این شورا پروانه ساخت دریافت کرده‌اند. همچنین شورای صدور پروانه فیلمسازی با تمدید پروانه ساخت فیلم «کلاهی برای باران» به تهیه‌کنندگی محسن وزیری و کارگردانی مسعود نوابی موافقت کرد.

نمایش «شب بخیر فرمانده» در جشنواره آنتالیا



در ادامه حضور بین‌المللی «شب بخیر فرمانده» این فیلم در جشنواره آنتالیا ترکیه به نمایش درمی‌آید. به گزارش ایسنا، این جشنواره از تاریخ ۲۵ تا ۳۱ شهریور در حال برگزاری است. فیلم سینمایی «شب بخیر فرمانده» به کارگردانی انسیه شاه حسینی پیش از این در جشنواره «فوکوتوکا ژاپن» به نمایش درآمد و چندی قبل جایزه کاتولیک‌های جشنواره «کارلوی واری» را دریافت کرد. این فیلم موضوعی جنگی دارد که داستان آن در شب عملیات طریق‌القدس در ۸ آذر ۱۳۶۰ صورت گرفته است، عملیاتی که منجر به آزاد سازی مهران بعد از ۱۸ ماه شد. قصه از شب عملیات با گم شدن یک خبرنگار جنگی در زیر باران آغاز می‌شود. در این فیلم لادن مستوفی به ایفای نقش پرداخته است. عرضه بین‌المللی فیلم مذکور برعهده رسانه بین‌المللی شهرزاد است و تهیه‌کنندگی آن را سید سعید سیدزاده برعهده دارد.